

Analysis of Hitherto Neglected Syrian Narratives about Al-Katib Al-Nu'mani

Amidreza Akbari*

Received:28/02/2019
Accepted:29/07/2019

Abstract:

According to the hitherto neglected sources of Nusayriyah in Syria, Muhammad Ibn Ebrahim al-Katib al-Nu'mani was a well-known figure among them. In addition to reports of his relationship with the great men of Nusayriyah, such as Khasibi, Jelli, Ibn Shu'ba, Qati'i Baghdadi, Ghasani Mohlahali, etc The compilation of several books (Al-Ikhlās, Al-Muqne', Al-Thassilya and Altaqwa and ...) is attributed to him. And of course, among reports and sayings narrated from him, in addition to the correct subjects, there are many incredible opinions and narrating of the extremist and metempsychosis book "as-Sab'in". The Evidences of his governmental post are more obvious in the books of Nusayriyah too. It is noteworthy that these abundant reports, despite its weakness, also have some witnesses in Imamy's sources; the most important of them, which is the narrator of the book Al-Ghaibah is Nusayri. Yet, beyond his relationship with the Nusayri sect, there is no solid proof that confirm the Nusayri reports about his corrupt Extremist opinions. So that his narrations in Imamy's sources generally do not have a clear connection with the formal beliefs of Extremist shiites.

Keywords: al-Katib al-Nu'mani, Nusayriyah, Exaggeration, Narrator of the book Al-Ghibbah, the Government of Syria, Imamyah.

* Ph.D. Student of Quranic and Hadith Sciences in Qom University, Iran.
ar.akbari913@gmail.com

تحلیلی از گزارش‌های تازه یاب شامی در مورد کاتب نعمانی

عمیدرضا اکبری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

روایات ابو عبدالله محمد بن ابراهیم معروف به کاتب نعمانی و صاحب کتاب شیعی الغیبیه در منابع امامیه، عموماً ارتباط روشنی با عقاید رسمی جریان غلو ندارد، اما بر اساس منابع تازه یاب فرقه غالی نصیری در شام، نعمانی در میان آنان شخصیت مشهوری بوده که علاوه بر گزارش‌های ارتباط او با بزرگان نصیری مانند خصیبی، جلی، ابن شعبه، قطیعی بغدادی، غسانی مهلبی و... تألیف چند کتاب (الإخلاص، المقنع، التسلی و التقوی و...) هم به او نسبت داده شده است. البته در میان اخبار و اقوال مروی از او در این منابع، علاوه بر مطالب صحیح، موارد زیادی از عقاید شدیداً غالیانه و حتی روایت کتاب غالیانه و تناسخی «السبعین» نیز وجود دارد. نشانه‌های منصب حکومتی او در شام نیز در آثار نصیری آشکارتر است. گفتنی است این گزارش‌های فراوان علی‌رغم ضعف آن، مؤیدهایی نیز در منابع امامیه دارد که مهم‌ترین آن نصیری بودن راوی اصلی کتاب الغیبیه است. ولی پیش‌تر هیچ‌یک از این مسائل مورد تحقیق و ارزیابی واقع نشده و ارتباط نعمانی با فرقه نصیری خالی از برخی ابهامات نیست. این مقاله ضمن تأیید اصل این ارتباط، قرائن صحت و سقم نسبت‌های نصیریان به او را بررسی کند.

واژگان کلیدی

کاتب نعمانی، نصیری، غلو، راوی الغیبیه، حکومت شام، امامیه.

طرح مسئله

نجاشی، کاتب محمد بن ابراهیم بن جعفر معروف به کاتب نعمانی (م ۳۶۰ق) را با تعبیر «عظیم القدر، شریف المنزله، صحیح العقیده، کثیر الحدیث» مدح می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳). وزیر مغربی نوه نعمانی نیز در مواضعی از تفسیر خود به نحوی گذرا نعمانی را با ترحم و تعبیر «شیخنا» می‌ستاید (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶، ش ۲ و ۴ از نسخ خطی). اما با وجود آنکه نجاشی آثار متعددی را برای نعمانی برمی‌شمرد؛ اما در میان قدمای امامیه بیشتر کتاب «الغیبه» او مورد توجه قرار گرفته است (نک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳؛ مفید، ۱۴۱۳-الف، ج ۲، ص ۳۵۰؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۲۷).

از بین رفتن گسترده آثار امامیه و اخبار ایشان در مورد راویان و مؤلفان دوران نخستین موجب شده قرائن برجامانده مرتبط از طریق دیگر فرق بیشتر اهمیت یابد. نعمانی محدث سرشناسی است که اثری ارزنده مانند کتاب «الغیبه» از او برجامانده، اما اطلاعات چندانی در مورد او و شاگردانش در دست نیست. با این حال اخیراً مدارکی در مورد جایگاه او در موطنش یعنی «شام» به دست آمده که مطالب غالیانه‌ای را نیز بدو منسوب می‌کند و آثاری را برایش برمی‌شمارد که پیش‌تر نزد عالمان امامی ناشناخته بوده است.

نجاشی تنها سخن از آن دارد که نعمانی به بغداد آمده؛ و سپس به شام رفته و در آنجا در گذشته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳). ظاهر کلام این است که نعمانی بعد از سفر اخیرش به شام تا پایان عمر در آنجا مانده است. ضمن آنکه تعبیر «قَدِمَ بَغْدَادَ» در مورد نعمانی نشان می‌دهد که جایگاه اصلی او نیز بغداد نبوده است. در سند کتاب الغیبه به روایت قنائی نیز از حضور نعمانی در حلب (از شهرهای شام) و قرائت کتاب در آنجا سخن رفته است (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۸) و ممکن است بر تألیف الغیبه در شام هم به روایت نعمانی از ابن معمر الطبرانی در سال ۳۳۳ در طبریه و از «محمد بن عثمان بن علان» در دمشق استناد جست، (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۹ و ۱۰۲).

همچنین مؤید دسترسی کم‌تر بغدادیان به نعمانی این است که ظاهراً راوی الغیبه نعمانی در مقدمه کتاب و نیز در سند نجاشی و الغیبه طوسی یک نفر یعنی ابوالحسین محمد بن علی است. (که البته نسبت او مختلف ذکر شده است) و بر این اساس چند تن از مشایخ ساکن بغداد، یعنی ابوالفرج قنائی، نجاشی و ابن‌الحاشر همگی کتاب را از یک راوی ناشناخته برای ما روایت می‌کنند (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۲۷ و ۲۳۳). با این وجود باید پرسید مشایخ بغداد تا چه اندازه با آثار و روش نعمانی آشنا بوده‌اند؟ و واسطه آنان تا او،

یعنی راوی الغیبیه کیست؟ و جایگاه راویان شامی در نسبت مطالب غالیانه به نعمانی چه بوده؟ و وضعیت اعتبار آن مطالب منسوب چگونه است؟

۱. پیشینه تحقیق

مفصل‌ترین پژوهش در مورد نعمانی با عنوان «نعمانی و مصادر الغیبیه» اطلاعات خوبی را از خلال اسناد کتاب و نیز گزارش‌های نادر برخی از آثار سلف در مورد نعمانی به دست داده است (شیرازی، ۱۳۸۰). اما این تحقیق مفید و نیز مقاله «بازشناسی منابع غیبت نعمانی» (معرفت و غفوری، ۱۳۹۷) کمتر ویژگی‌های نعمانی را در غیر تألیف الغیبیه بر می‌نمایند و هیچ به مرویات غالیان از نعمانی نمی‌پردازند.

شناخت رویکردهای کلامی نعمانی به ما کمک می‌کند که نسبت به میزان صحت روایات و آرای او و نیز مطالب منسوب به او و نیز برخی دیگر مانند ابن‌شعبه حرانی که احتمالاً مرتبط با او و نصیریه نیز بوده‌اند، تحلیل دقیق‌تری داشته باشیم. به عنوان نمونه نعمانی، برترین اصول اصحاب امامیه را کتاب سلیم دانسته است و بر صحت آن ادعای اجماع کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷، صص ۱۰۱-۱۰۲).

البته این کلام در این حد نمی‌تواند پذیرفته شود؛ زیرا اولاً با وجود تضعیفات در مورد تنها راوی کتاب (ابان) و نقل اختلافات در مورد خود کتاب، حداقل می‌توان گفت اعتبار کتاب اجماعی نبوده و در مقابل نظر نعمانی، مستند قول شیخ مفید و ابن‌غضائری معلوم است. چه آنکه بحث اختلاف نسخ در کلام شیخ مفید امری حسی بوده است. ابن‌غضائری نیز به وجه برخی اشکالات اشاره کرده و قول به تضعیف کتاب را از پیشینیان خود نیز روایت کرده است. مؤید این گفتار دقت نظر بالای شیخ مفید و شیخ ابن‌غضائری، در برابر تسامح احتمالی نعمانی است. خصوصاً وقتی می‌بینیم که نعمانی در روایت از کتاب سلیم بر سندی عامی و البته مرفوع اتکا داشته است، که البته برخی قرائنی بر جعلی بودن این سند عامی ارائه نموده‌اند (ر.ک: قلیچ، ۱۳۹۰، صص ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۴).

شاید این پژوهش در وثاقت نعمانی در روایات کتاب الغیبیه تأثیر چندانی نداشته باشد؛ اما ما را در اعتبارسنجی آثار تازه یاب منسوب به او یاری می‌کند. بحث این نوشتار در شناسایی راوی الغیبیه و تعیین مذهب او نیز می‌تواند شاهدهی بر وثاقت‌های مقید در مورد بعضی از راویان و محدثان متهم یا مجهول باشد، چنان‌که قدمای امامیه در ترجمه بعضی از راویان متهم، اعتبار برخی از آثار یا روایات ایشان را مطرح نموده‌اند مانند احمد بن هلال، شلمغانی و... (نک: اکبری، ۱۳۹۷، صص ۲-۵).

همچنین امکان انتساب آثاری نسبتاً معتبر و نیز آثاری فاسد به یک نویسنده ما را در بازشناسی پیچیدگی‌های جریان‌هایی مانند جریان غلو و دقت در عوامل اتهام به غلو یاری می‌نماید و کاستی نقدهای برخی از متأخران بر تضعیفات اساطین رجالی امامیه به اتکای برخی از اخبار قابل قبول راوی می‌نمایاند و از سویی از مطلق‌نگری به توثیقات رجالی نیز برحذر می‌دارد.

۲. قرائنی در مورد گرایش‌های نعمانی در شام

چند گزارش شامی به تبیین این مطلب و نیز رویکرد نعمانی در شام کمک می‌کند. گزارش نخست برگرفته از منابع امامیه و بقیه از مصادر فرقه غلو نصیریه است:

۲-۱. تناسخ در «التسلی و التقوی»

در کتاب «جوابات المسائل الطرابلسیات» سید مرتضی، در بحثی درباره «مسخ»، پرسش‌گری در کنار اذعان به قبول اصل روایات مسخ توسط شیخ مفید، و استحاله تناسخ در نظر او، در مورد نعمانی می‌گوید که «نعمانی روایات بسیاری از جمله در کتاب «التسلی و التقوی» دارد که قابل حمل بر هر دو معنای نسخ و مسخ است». او بخشی از خبری طولانی منسوب به امام صادق (علیه السلام) را در این معنا می‌آورد (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۵۰) که مشابه فرازی از این خبر در بحث احتضار کافر در دیگر مصادر حدیث امامی نیز وجود دارد (اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۲)، اما در خبر منقول از نعمانی فرازهایی اضافه بر آن وجود دارد که در آن از حلول مکرر کافر بعد از مرگش در حیوانات مختلف؛ و به عبارتی از تناسخ سخن به میان می‌آید:

«إذا احتضر الكافر حضره رسول الله (صلی الله علیه وآله) و علي (علیه السلام) و جبرئیل و ملك الموت ... ثم انه يؤتی بروحه الی جبال برهوت ثم انه یصیر فی المركبات حتی انه یصیر فی دودة، بعد أن یجری فی کل مسخ مسخوط علیه، حتی یقوم قائمنا أهل البیت، فیبعثه الله لیضرب عنقه و ذلك قوله رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحَبَّيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ. والله لقد أتى بعمر بن سعد بعد ما قتل، و أنه لفي صورة قرد فی عنقه سلسله، فجعل يعرف أهل الدار و هم لا يعرفونه. والله لا یذهب الدنیا حتی یمسح عدونا مسخاً ظاهراً حتی أن الرجل منهم لیمسح فی حیاته قرداً أو خنزیراً و من ورائهم عذاب غلیظ...».

چند نکته در مورد این نقل درخور توجه است. نخست آنکه پرسش‌گر در اینجا - چنان‌که اقتضای نام رساله است - اهل طرابلس بوده. در جغرافیای اسلامی دو منطقه بدین نام شناخته می‌شود. اول، پایتخت امروزی لیبی، دوم، شهری در شام نزدیک طرسوس و لاذقیه که در دورانی خاستگاه شیعه و نیز غلات بوده است (حداد، بی تا، صص ۴۲۶ و ۴۲۷؛ طرابلسی، ۲۰۱۶، ص ۱؛ نیز نک: خامه‌یار، ۱۳۹۵، صص ۷۵ و ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۵، ص ۷۶).

پرسش‌گر در مواردی از سؤالات تذکر می‌دهد که در منطقه شام و مصر زندگی می‌کند (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۸۸) در حالی که گزارش روشنی از گرایش طرابلسیان لیبی در آن دوران به دست نیامد.

هم‌چنین نجاشی در رجال از کتاب «التسلی و التقوی» نعمانی نامی نمی‌برد و بر فرض صحت گزارش فوق، شاید از وجود آن اثر مطلع نبوده است. چه آن‌که نجاشی از برخی از آثار بزرگان این مناطق که بر طریق امامیه هم تالیف شده، نام نبرده است (مانند کتاب *تحف العقول* حرانی). حتی خود سید مرتضی نیز در پاسخ به نقل تناسخ از این کتاب، به نفی تناسخ و تأیید دیدگاه شیخ مفید کفایت کرده، و به اظهار نظر در مورد کتاب فوق نمی‌پردازد (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۵۳). چنانچه در این مورد سید بنا بر اختصار نداشته، می‌توان احتمال داد که سید نیز از این کتاب آگاهی چندانی نداشته، هر چند که او چندان اهل نقد جزئی احوال راویان هم اسناد نیست (اکبری، ۱۳۹۷، صص ۱۴۰-۱۴۱).

اما مضامین منقول از کتاب «التسلی و التقوی» نیز بی‌تناسب با گرایشات تناسخی نصیریان شام نیست (نمونه نک: حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۵۰-۱۵۸؛ ابن‌هارون، ۲۰۰۶، ص ۴۵۰ و ۴۵۱ و...). گفتنی است که در مصادر نصیری اخباری تناسخی از نعمانی روایت شده است (عصمة‌الدوله، ۲۰۱۶، ص ۵۲۲ و ۶۲۱ و نیز ر.ک: بخش بعد).

۲-۲. نعمانی و روایت «کتاب السبعین»

ابن‌شعبه حرانی، صاحب کتاب شدیداً غالبانه حقائق *اسرار الدین* - که به احتمال بسیار قوی همان مؤلف *تحف العقول* است - (نمونه قرائن: باقری، ۱۳۹۳) از روایات نصیری و مصادر غلات ایشان مانند کتب اسحاق بصری، *آداب الدین ابوالمطلب، المراتب و الدرج ابن معاویه*، کتاب *الهفت، الرسالة خصیبه* و... و با ذکر نام آن‌ها بسیار بهره برده است (نک: حرانی، ۲۰۰۶، صص ۵۵، ۶۰، ۶۳-۷۰، ۹۵، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۳۵ و...). در عین حال مؤلف نقل‌های مختلفی از کتب امامیه، مانند کتاب *کافی* (همان، ص ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲ و ۱۴۵) و کتاب *معرفة الباری* احمدبن علی عقیقی (همان، ص ۳۸، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۷۹، ۸۹، ۹۳، ۱۲۰-۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۵ و...)

هم دارد؛ که ظاهراً در نقل این روایات امامی، صادق بوده است و گاه صریحاً نام این مصادر امامی را نیز ذکر می‌کند (همان، ص ۵۴، ۱۲۸ و ۱۴۵). و البته از آن‌ها با عنوان کتب اهل تقصیر و غیرموحدین یاد می‌کند (ص ۱۲ و ۱۲۸).

او نقل‌های متعددی نیز از محمدبن‌همام اسکافی (همان، ص ۲۳ از ابن‌جمهور، ص ۹۱، ۹۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۵ از حمیری، ص ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۲، ۱۷۶ از جعفربن‌مالک فزاری، و...)، ابن‌عقده، (همان، ص ۹۴ و ۹۵ و ۱۲۷)، احمدبن‌هوذة نهروانی (همان، ص ۳۷، ۹۲، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۳۱ و ۱۳۴ همه از ابراهیم نهاوندی) و... دارد که از مشایخ نعمانی در *الغیبه* هستند (نک: معرفت، ۱۳۹۷، ص ۹، ۱۶، ۱۹، ۲۲) و فراوان خود از راویان مشترکی در دو کتاب روایت کرده‌اند (نمونه قس: نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۵۷، ۱۲۷، ۱۵۴، ۱۶۹ و...).

نیز ابن‌شعبه مستقیماً از «ابوعبدالله محمدبن‌ابراهیم» روایت می‌کند، که عموم آن اخبار از شخصی به نام «ابو علی بصری» است (حرانی، ۲۰۱۶، ص ۳۰-۳۲، ۴۶، ۵۴، ۵۵، ۷۸، ۹۵-۹۷، ۱۵۷-۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۹ و...) و در آن معانی فاسد با اسناد غالبانه وجود دارد (مانند ربوبیت حجج: همان، ص ۹۷، مدح غلو: ص ۱۶۴؛ اباحه: ص ۱۳۹ و ۱۴۱).

با عنایت به قرائن بالا و تصریح یکی دیگر از نصیریان (ابن‌هارون، ۲۰۰۶، ص ۴۳۲) مقصود از این واسطه کاتب نعمانی است. اما با توجه به مذهب فاسد مؤلف *حقائق اسرار* انتساب این موارد به نعمانی جای تردید دارد. بخشی از همین روایات *حقائق* از نعمانی متضمن مسخ و تناسخ است (نمونه همان، ص ۷۸، ۱۵۷، ۱۵۸)؛ و اگر نسبت آن به نعمانی صحیح باشد، مؤیدی بر صحت نسبت کتاب پیش گفته «*التسلی و التقوی*» به نعمانی است. راوی این اخبار، ابوعلی با این نسبت در منابع امامیه شناخته شده نیست! اما از آنجا که این اسناد از ابوعلی البصری به بعد تغییر می‌کند، و واسطه مؤلف تا او همواره نعمانی است، احتمالاً مصدر این اخبار *حقائق*، کتابی از بصری باشد.

در سندی مشابه از عبد‌الله‌بن‌العلاء در *الغیبه* نعمانی و *حقائق اسرار‌الدین*، مهم‌ترین تفاوت جای‌گیری ابو علی بصری به جای ابوعلی محمدبن‌همام است (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۷ و حرانی، ۲۰۰۶، ص ۹۵ و نک: ۱۳۸). محمدبن‌موسی نیز از رواتی است که در *حقائق* از ابوعلی بصری از او فراوان روایت کرده (نمونه: همان، ص ۴۶). در *فرج‌المهموم* نیز نعمانی از ابن‌همام از چنین نامی روایت کرده (ابن‌طاوس، ۱۳۶۸، ص ۹۵). با این وجود نسبت بصری برای محمدبن‌همام در منابع یافت نمی‌شود، و خود ابن‌شعبه هم در *حقائق* در روایت مستقیم از ابن‌همام، «حدثنی محمدبن‌همام» و «حدثنی ابوعلی‌بن‌همام» به کار برده و مقصود او از ابوعلی بصری، ظاهراً

ابن‌همام نیست. هرچند با توجه به اشتراک محتوایی برخی از اخبار منسوب به این دو نام، می‌توان احتمالاتی چون نشر کتاب او با نامی مستعار را مطرح کرد!

همچنین بنا بر سندی ابوعلی بصری در سال ۳۲۷ در شیراز کتاب سبعین را تحدیث نموده و شیخ او نیز در سال ۲۴۰ از کسی سماع نموده (طبرانی، ۲۰۰۶، ص ۲۱۰) که این طبقه همان طبقه محمدبن‌همام (م ۳۳۶) است (نجاشی، ص ۳۷۹ و ۳۸۰). البته گرچه شاهدی بر حضور محمدبن‌همام در شیراز نیافتیم اما شاگردش نعمانی در شیراز حضور داشته (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۶۲). همچنین مجوسی و ایرانی بودن جد ابن‌همام نیز احتمال ارتباط او با منطقه فارس را تقویت می‌کند (نجاشی، ص ۳۷۹ و ۳۸۰). اما با این حال او در منابع امامی به بغداد و اسکاف منسوب شده است (همان؛ نیز ابن‌داود، ص ۳۳۹).

یکی دیگر از حرانیان نصیری، روایتی تناسخی را از کتاب «معروف به سبعین» ابوعلی بصری و با ستایش او آورده که می‌تواند منبع این اخبار باشد:

«قال أبو علي البصري نصرَّ الله وجهه في كتابه المعروف بالسبعين بأن السلسلة هي كلُّ صنْفٍ يدخله يُرَدُّ فيه سبعين مرَّةً مثال ذلك أن يدخل إلى صورة الغنم فيُرَدُّ في ذكرائها واناثها وصغارها وكبارها سبعين مرَّةً، يجري عليه فيها الذبح والغرق وأكل السبع والموت، ثم يخرج...» (حرانی، ۲۰۱۶، ص ۴۲؛ حمین، ۲۰۱۶-الف، ص ۴۲).

در ابتدای نسخه‌ای از الأعیاد طبرانی تک خبری طولانی با عنوان «کتاب شرح السبعین» آمده که سندش از «ابوعلی بصری» شروع می‌شود (طبرانی، ۲۰۰۶-الف، ص ۲۱۰). نصیریان اسنادی را از «ابوعلی محمدبن‌جعفر بن عبد الملک بصری» شروع نموده‌اند (ابن‌هارون، ۲۰۰۶، ص ۴۶۲؛ عصمة‌الدولة، ۲۰۱۶، صص ۵۵ و ۳۸۹، ۵۹۸ و ۶۴۹ و قس: حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۴۱؛ رداد، ص ۲۸۱؛ و به صورت مختصرتر: حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۶۴؛ طبرانی، ۲۰۱۶-ب، ص ۴۳) که مؤیدی دیگر بر نسبت کتابی به او است. در مصادر متأخر نصیری عنوان «کتاب السبعین» و «الفحص و البحث» به «جعفر بن عبد الملک»^۱ نسبت داده شده (ابن‌معمار، ۲۰۱۶، ص ۸۶).

۱. در نگاه نخست این نام ما را به یاد «جعفر بن محمد (بن) مالک» از مشایخ مهم ابوعلی محمدبن‌همام می‌اندازد، اما بنا بر قرائنی که گذشت، در اینجا مقصود محمدبن‌جعفر بن عبد الملک است، و جا ندارد که احتمال دهیم اثر به جعفر بن مالک هرچند از باب نسبت تألیف یک کتاب به اولین راوی مذکور در نسخه بوده باشد، (و منظور از ابوعلی، ابن‌همام باشد. به مانند نسبت اشتباه کتابی به اولین راوی آن: تمحیص نسبت به محمدبن‌همام، الاختصاص به شیخ مفید، طب الاثمه به ابن‌بسطام، الفضائل منسوب به ابن‌شاذان و...) همچنین کتابی با عنوان «الفحص و البحث» به اسماعیل بن خلاد اسحاقی منسوب است (ضیائی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ش ۱۸۳).

سران غلو در موارد متعددی خواننده را به «کتاب السبعین» ارجاع می‌دهند که ظاهراً همین کتاب است (جلی، ۲۰۱۶-ج، صص ۲ و ۱۲ از خصیبه؛ طبرانی، ۲۰۰۶-ب، ص ۶۵؛ مجهول، ۲۰۰۸، ص ۸۷ و حاشیه حریری).

با این وجود اگر تداول همین کتاب غالبانه را نزد نصیریه ثابت بدانیم، برای احتمال آنکه نام نعمانی در طریق تا کتاب جعل شده باشد، چه وجهی وجود دارد؟ ابن شعبه اخبار کتاب کافی را از اشخاص دیگری روایت می‌کند (حرانی، ۲۰۰۶، ص ۵۰؛ ۲۰۱۶، صص ۳۷ و ۴۱ از جعفر بن احمد، ص ۴۲ و ۱۳۴ از علی بن احمد، قس: ۲۰۰۶، ص ۵۰ علی بن محمد). اگر صرفاً به دنبال جعل نام او به عنوان شیخ خود بود، آیا در روایت از کافی - که نعمانی نیز یکی از راویان آن است - اولویت نمی‌داشت؟ شاید نصیریان متمایل بوده‌اند که شخصیت مطرحی چون نعمانی را از روات موضوع تناسخ و غلو جلوه دهند. در حد اطلاعات موجود، در این زمینه نمی‌توان قضاوت کرد.

تنها روایات حقائق اسرار الدین از نعمانی از دیگر مشایخ او نیز گرچه در الغیبه نیامده، اما اشکال محتوایی ندارد (حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۲۹). و به روایت از عبد الواحد بن عبد الله بن یونس الموصلی از مشایخ پر روایت نعمانی در الغیبه است (نک: نعمانی، ۱۳۹۷، صص ۲۸، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۳، ۵۸، ۶۸ و...) این شیخ در گزارشی توسط تلعبیری توثیق شده است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۳۱، علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۲۸) اما قابل توجه است که با وجود روایت گسترده الغیبه نعمانی از عبد الواحد (حدود ۵۰ مورد) در دیگر مصادر امامی به صورت بسیار نادر از او روایت شده است (مفید، ۱۴۱۳-ب، ص ۳۱۲؛ کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۹۸ و ۳۲۸). تنها ابن جنید اسکافی او را واسطه روایت چند کتاب قرار داده (نجاشی، ۱۳۶۵، صص ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۷۲).

جالب آنکه تلعبیری خود از حضورش در حلب (منطقه مورد توجه نصیریه) و تحدیث از عبد الواحد خبر داده است (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۱۰۵) و این‌ها با اطلاعات مصادر نصیری هم‌خوان است. پدر عبد الواحد نیز گرچه در منابع امامی ناشناخته است؛ اما نصیریه چند متن مهم از او روایت می‌کنند (جعفی، ۲۰۰۶-ب، ص ۹؛ خصیبه، ۲۰۰۷، ص ۳۵۷، ۱۷۶، ۳۷۷؛ طبرانی، ۲۰۱۶-ج، ص ۱۱۷، بعمره، ۱۹۵۸، ص ۱۵؛ مجهول، ۲۰۰۸، ص ۱۲: ذکر کنیه موصلی برای او و حضورش در سال ۳۴۰ در انطاکیه). برخی از غلات یونس الموصلی را نیز از رجال مهم خود شمرده‌اند (جعفی، ۲۰۰۶-الف، ص ۲۹۱).

۳-۲. «رسالة الإخلاص» نعمانی و «كتاب المقنع»

در فهرس معاصر نصیری، سخن از برجاماندن نسخه اثری از امیر ابوالفتح محمدبن ابراهیم نعمانی محدثی در قرن چهار آمده است. مؤلف معجم اعلام العلویین بخش‌هایی غیرغالبانه از نسخه را روایت کرده و به وجود آثار دیگری از نعمانی نیز اشاره نموده است.^۲ نکته در خور توجه در روایت این نسخه آن است که مؤلف آن گذشته از پرداختن به روایات اسلامی، فراوان از فلاسفه یونان نقل قول می‌کند (ر.ک: علی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۵۴). رویکردی که گرچه بین عالمان امامی آن دوره به چشم نمی‌خورد، اما در آثار نصیریان مواردش کم نیست (نک: خصیبه، ۲۰۱۱، صص ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۵۳-۲۵۵، ۲۶۳؛ بغدادی، بی تا، ص ۳۸۵؛ عصمه‌الدوله، ۲۰۱۶، ص ۲۱-۲۳، ۲۳۲، ۳۰۱، ۳۴۷ و...).

با توجه به روایت بخش‌هایی از همین فرازاها (علی، ۲۰۰۲، ج ۴، صص ۵۷، ۵۹، ۵۶) توسط دیگر مؤلفان نصیری، این نسخه برجامانده *رسالة الإخلاص* منسوب به نعمانی است (عباس، ج ۱، صص ۳۰۲، ۴۴۳، ج ۲، ص ۴۸۶، ۵۳۵، ۶۶۶، ج ۳، ص ۸۸۶، ۱۲۵۵، ج ۴، ص ۱۵۸۰: «النهی عن الجدل»؛ ج ۲، ص ۵۶۹: «حسن الخلق»؛ حمین، ۲۰۱۶-۲۰۱۸).

در روایت دیگر مؤلفان معاصر نصیری از *رسالة الإخلاص* گاه تعبیری کاملاً نصیری و غالبانه دیده می‌شود؛ مانند: «قال الأمير أبو الفتح في رسالة الإخلاص: إن المواقع: السین، والصفة: المیم، وقرار المعرفة: أمير المؤمنين» (ربیع، ۲۰۱۶، ص ۴۶) و یا در ادامه خبر تقیه «الإخلاص»، فرشته بودن سلمان و ابوذر و ولایت تکوینی ایشان را آورده‌اند (عباس، ج ۱، ص ۱۸۵). و یا از آن از «جماعتی از شیعه اسحاقیه» از سید میم (رسول الله) روایت کرده‌اند که الله (علی) همواره در پیشاپیش پیامبرانش می‌جنگیده است و مثالی از جنگ احزاب در خبر آمده است (عباس، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۹).

پیشتر أبو عبدالله جلال الدین بن معمار الصوفی (۷۲۵ق) در «فهرست کتب أهل التوحید وأسماء مصنفيهم»، «كتاب المقنع» و «رسالة الإخلاص» را اثر «أبی الفتح محمدبن ابراهیم نعمانی» می‌شمارد (ابن معمار، ۲۰۱۶، ص ۸۴). این در حالی است که این فهرست نام تألیفات مؤلفان مطرحی از نصیرییه همچون آثار فرزندان شعبه حرانی را نیاورده است.

^۲ با وجود تلاش مکرر نگارنده، و نیز تماس با چند نویسنده سوری و علوی و رایزنی با کتابخانه اسد در دمشق و...، تا کنون اطلاعاتی بیش از آنچه خواهد آمد، به دست نگارنده این سطور نرسیده است.

در نسخه مجموع الأعیاد در کنار بحث اخبار غالیان در مورد غدیر (ر.ک: اکبری، ۱۳۹۸) از اخبار اهل ظاهر (غیرغالیان) هم آدابی ذکر می کند و به مناسبت از کتاب المقنعه نعمانی یاد کرده است:

«فإن كل ما رويناه فأهل الظاهر مجمعون على صحته، والخاصة الذين هم أهل الباطن عاملين بما أمر به المولى جلت قدرته، متمسكون بظاهر سنته، متحققون بباطن معرفته ومقرون بتوحيده وألوهيته، ولقد لخصنا هذا القول مما رواه أبو عبد الله محمد بن محمد النعماني رضي الله عنه في رسالته المقنعة قال: إذا ارتفع النهار من اليوم الثامن عشر من ذي الحجة فاغتسل...» (طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۸۰؛ همو، ۲۰۰۶، ص ۱۰۵).

اما به نظر می آید ناسخان نصیری نسخه الأعیاد، به خاطر مانوس تر بودن نام نعمانی، نام شیخ مفید (محمد بن نعمان) را با آن خلط نموده و خبر مقنعه را به نعمانی نسبت داده (نک: مفید، ۱۴۱۳-د، ص ۲۰۴) و خود ترضی را افزوده اند. در حالی که چنانکه از ظاهر کلام مصنف بر می آید او در اینجا صاحب المقنعه را اهل ظاهر و طبعاً فاسد المذهب می دانسته (طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۸۱). بر این اساس می توان احتمال داد نسبت کتاب المقنعه به نعمانی در مصادر متأخر نصیری نیز اشتباه باشد. البته ذکر کتب مهم تر نصیریان توسط ابن معمار متناسب با چنین سهوی نیست. خصوصاً که گفته شده زجاج در النسب العالی نیز از اثری از «ابو الفتح محمد بن ابی طالب النعمانی» نام برده، و به صورت احتمالی او را از شاگردان خصیبی شمرده، (علی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۵۴) و صاحب کتاب خیر الصنیعة نیز «المقنعه» را بدو نسبت داده (خصیبی، ۱۴۲۹، مقدمه، ص ۴۹) که شاهد اتحاد «محمد بن ابی طالب» و «محمد بن ابراهیم» است و اینکه کنیه پدر نعمانی ابو طالب باشد. هر چند در مورد کنیه پدر نعمانی در منابع امامیه مطلبی نیافتیم.

۲-۴. شاگرد خصیبی

ابن معمار در فصل «أولاد السيد أبي عبد الله الحسين بن حمدان الخصيبی» در کنار جلی (م ۳۹۹) و جسری و ابن شعبه از «ابی الفتح محمد بن ابی طالب النعمانی» نام برده است (ابن معمار، ۲۰۱۶، ص ۸۷ و ۸۸) که ظاهراً مقصود همان کاتب نعمانی است؛ چه آنکه در منابع متقدم تر نصیری به ارتباط نعمانی با خصیبی، (م ۳۳۴ یا ۱۴۶ یا ۳۵۸) پیشوای نصیریان گزارش شده است. از ابی عبد الله محمد بن محمد بن الحسن البغدادی القطیعی چنین روایت کرده اند:

«حدثني أبو الفتح محمد بن الحسن البغدادي قال: حدثني أبو عبد الله محمد بن إبراهيم النعماني قال: سألت السيد أبا عبد الله الخصيبی عن العبادة، فقال: العبادة للمعنى،

والسجود للإسم، فقلت: سیدی هذه شِرْكَةٌ فقال: أعود بالله أن يكون ذلك...
(عصمة الدولة، ۲۰۱۶، ص ۱۷۰).

البته در این گزارش گویا نعمانی به خصیبه اشکال کرده، و این در سنت نصیریان رایج نیست. در تکرار این گزارش باز از زبان نعمانی بر مقام سیادت خصیبه تأکید شده، و البته عقیده شرک آمیز «میم» از او نقل شده و در ادامه روایاتی در بابیت ابن نصیر آمده است (عصمة الدولة، ۲۰۱۶، ص ۲۷۵ و نیز نک ص ۹۲).

۲-۵. همراه جلی

در مشیخه پیشوای نصیری، محمدبن علی جلی (م ۳۹۹) نیز نام «أبو عبدالله محمدبن ابراهیم نعمانی» در میان شیوخی آمده که او آن‌ها را در دوره حیات حسین بن حمدان خصیبه او ملاقات کرده است. و با این حال در ادامه باز همین نام را البته با کنیه «ابوالفتح» در میان «برادران» نیز ذکر کرده است:

«لقیمت من الشیوخ شیخی أبا عبدالله الحسین بن حمدان... وأبا عبدالله محمدبن ابراهیم
النعمانی، والنظراء من الإخوان أبا الفتح محمدبن ابراهیم النعمانی تلمیذ الخصیبه،
وأبا محمد وأبا جعفر وأبا القاسم بن علی بن شعبة الحرانی...». (طبرانی، ۲۰۱۶-ج،
ص ۱۹۷).

در کتاب منابع العرفان، در ترجمه شیخ جلی بعد از ذکر نام چند کتاب او، از مشایخش با اندکی تفاوت با تعبیر «الذی لقیمته من الشیوخ رحم الله ماضیهم ومتع باقیهم... ابو عبدالله محمدبن ابراهیم نعمانی، و النصر بن الخوان، و ابو الفتح النعمانی، تلمیذ الخصیبه» نام برده؛ و نیز بر جایگاه ویژه جلی نزد حکام آل حمدان تأکید کرده است (حسن، ۲۰۰۵، ص ۱۹۴) و احتمالاً مصدر اصلی او همان گزارش پیشین است.

در منابع نصیرییه مانند الرسالة المصریة دو کنیه ابو عبدالله و ابوالفتح صریحاً در کنار هم به یک محمدبن ابراهیم نعمانی نسبت داده شده (عصمة الدولة، ۲۰۱۶، ص ۵۲۲؛ در زمینه تعدد کنیه‌ها برای یک شخص نک: پاکتچی، ۱۳۸۲، ص ۳۳). و لذا شاید در گزارش فوق تصحیفی رخ داده است؛ خصوصاً که علاوه بر اتحاد طبقه و مصاحبان، اشتراک در منصب حکومتی («وزیر الشام ابو عبدالله» و «أمیر ابو الفتح» مؤید اتحاد دو عنوان است؛ و در این حد از اشتراک دو نام داعیه بر توضیحی بیشتر (از سوی جلی) در مورد دوگانگی در غیر مقام اختصار، دور از انتظار نیست. البته می‌توان گفت تکرار نام نعمانی نه از تصحیف بلکه برای اشاره به این نکته بوده که نعمانی در عین شیخوخت، از «النظراء من الإخوان» هم بوده که بر این اساس اخبار مختلف

سازگار می‌افتند، هرچند طبقه نعمانی در این وجه تردید ایجاد می‌کند. قابل توجه این که برخی نیز نعمانی را جانشین جلی در فقه شمرده‌اند (آل معروف، ۲۰۱۳، ج ۱، ص ۲۳۲).

۲-۶. وزیر عالی شام؟!

عصمه الدولة، صاحب الرسالة المصریة، وصیت پیر و مرادش، ابو الفتح محمد بن الحسن بن مقاتل البغدادی القطیعی را مستقیماً روایت می‌کند، و آن را حاوی «اسامی مشایخ مؤمنین رضی الله عنهم» و «شیوخ فضل و ایمان» و با ترضی و ترحم بر ایشان معرفی می‌کند و بعد از نام بردن از اقطاب نصیریّه مانند جلی و خصیبی، دیگر بار چنین ذکر غالیانه‌ای را به نعمانی نسبت می‌دهد:

«لَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ النُّعْمَانِيَّ وَرَبَّ الشَّامِ فِي إِنْطَاكِيَّةٍ وَقَالَ لِي: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ: إِيَّاكَ نَعْبُدُ يَا عَلِيُّ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، سَمَّئَهُ الْمَلَائِكَةُ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَقِيتُ أَخَاهُ أَحْمَدَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ النُّعْمَانِيَّ وَهُوَ مَعَهُ فِي إِنْطَاكِيَّةٍ وَقَالَ لِي: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ: يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا مَعْبُودَ كَلَاهُ اللَّهُ» (عصمه الدولة، ۲۰۱۶، ص ۶۶۵)

در ادامه همین مشیخه «محمد بن همام» نیز البته با کنیه نا شناخته «ابو عبدالله» در میان مشایخ نصیریّه ذکر، و فضلش ستوده می‌شود (عصمه الدولة، ۲۰۱۶، ص ۶۶۶). در کنار اتهام کلی نصیریان در جعل مطالب غالیانه، آنچه که در این گزارش تردید جدی ایجاد می‌کند، این است که در ادامه همین مشیخه بعد از مشایخ نصیری و اسحاقی که بغدادی آن‌ها را ملاقات نموده در ذکر ملاقات شدگانش از اهل ظاهر از ثوری و احمد بن حنبل و... نام می‌برد! (عصمه الدولة، ۲۰۱۶، ص ۶۸۰) حال آن که طبقه آن رجال بسیار قدیمی تر است (نمونه نک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۵۰).

اما گذشته از مطلب باطنی فاسدی که به نعمانی نسبت داده است، ادعای جعلی بودن نسبت وزارت به نعمانی -به خاطر آشکار بودن چنین مناصبی نزد اهل هر دوره- قدری سخت است؛ هر چند که می‌توان احتمال داد که «وزارت» مبالغه‌ای در مورد منصب «کتابت» نعمانی باشد. چنانکه او در منابع امامیه و نیز عامه با وصف «الکاتب» شناخته می‌شود، (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۲۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۳، ج ۴۲، ص ۳۴۰) و گذشت که در مصادر دیگری نیز نعمانی امیر خوانده شده، که همگی اشاره به جایگاه حکومتی او دارد. هم چنین استعمال کنیه ابوالفتح در کنار کنیه ابوعبدالله برای نعمانی نیز چه بسا به همین خاطر باشد (نک: حسینی جلالی، ۱۴۰۹-الکنیه، ص ۱۶-۲۱). زیرا موارد دیگری نیز یافت می‌شود که از کسانی با وصف امیر ابو الفتح یاد کرده‌اند و یا قاضیان را با این کنیه خوانده‌اند (علی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۱۴۹؛ عصمه الدولة،

۲۰۱۶، ص ۳۵ و ۶۴۱؛ دیلمی، ۲۰۰۸، ص ۲۷۶؛ قمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ج ۲، ص ۴۶۸؛ ج ۳، ص ۴۱۱).

به ویژه اینکه برخی از ایشان کنیه‌های دیگری نیز داشته‌اند (قس: طبرانی، ۲۰۱۶-ج، ص ۱ و صویری، ۲۰۱۶، ص ۶۶ با بغدادی، بی‌تا، ص ۳۸۳) گذشت که نعمانی با مهلهلی (مهلهلی) امیر طبریه نیز مرتبط بوده است. مؤیدی ضعیف برای این ارتباطات او با مواضع قدرت این است که حسین بن علی بن حسین بن علی معروف به وزیر مغربی، نوه دختری نعمانی نیز به عنوان یک وزیر معروف است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۴).

صاحب *بعیة الطلب* نیز در ترجمه مفصل وزیر مغربی، پدر و جدش را از کاتبان امیر سیف الدوله شمرده، (ابن‌العديم، بی‌تا، ص ۲۵۳۲) و در رساله‌ای که از او روایت نموده به قدرت پدر و جدش و نیز املاک موروثی او در نعمانیه اشاره کرده است (همان، ص ۲۵۳۶). محل ولادت او نیز به مانند نعمانی حلب (یا مصر) دانسته شده است (همان، ص ۲۵۳۸).

به عنوان قرینه‌ای در مقابل این شواهد گرایش نعمانی به حاکمان، می‌توان موضع منفی *الغیبه* نعمانی را نسبت به قیام‌های پیش از قیام قائم عج و همکاری با آن را در نظر گرفت (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۱، باب ۵) و نمونه این گونه روایات در مجامع روایی شیعه و برخی از مصادر *الغیبه* (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، صص ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۹۴، ۳۱۰ و...) اما به نظر می‌آید این نکته اشکالی در قرائن پیشین ایجاد نمی‌کند؛ زیرا اولاً رویکرد نعمانی به این مسائل در دوران مختلف عمرش بر ما روشن نیست. ثانیاً روایات پیش گفته ناظر به اصل قیام‌ها و همراهی و یا رهبری آن است. اما بر فرض عدم مشروعیت آن‌ها روایات متعددی در جواز تصدی جایگاهی حتی در حد وزارت در حکومت اهل باطل و البته با شرایطی بسیار دشوار وارد شده است (حر، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۱۹۲) و عمل بزرگان اصحاب مانند عبد الله بن سنان، ابن یقطین، ابن بزیع، نجاشی و... به آن مشهور است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۱) و بر این اساس می‌توان احتمال داد که نعمانی نیز وجهی برای تصدی مناصب حکومتی مانند کتابت و شاید وزارت در نظر داشته است.

برخی از تراجم نصیری از کتاب نعمانی (احتمالاً کتاب *الإخلاص*) ارتباط او را با مهلهلی از مشاهیر نصیریه روایت نموده‌اند: «أنشدنی أخی رائق المهلهلی أبیاتاً من الشعر (وذكرها...)» (علی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۵۴ و ۱۴۴) بنا بر منابع نصیریه مهلهلی پیش از استیلای سیف الدوله الحمدانی بر حلب، امیر طبریه بوده است (همان، ص ۱۴۳؛ دیلمی، ۲۰۰۸، ص ۲۷۵). صاحب *معجم اعلام العلویین* بر اصالت حلبی نعمانی و اقامت او به اتکای آثار تأکید می‌کند: «تدل الآثار إلى أنه حلبي الولادة والمقام والانتقال لم أعثر على مكان ولادته ولا على مكان وفاته أو تاريخها» (علی، ۲۰۰۲، ص ۶۱).

۲-۷. قرائن پراکنده دیگر در نسبت غلو

شیخ حسین أحمد (م ۱۲۹۵ق) نظریه نصیری ظهور «معنی» (الله) در نور (حجت) در همه اکوار و ادوار و نظر کردن خلق به او با عقول و حواسشان را به «أبو الفتح محمد بن ابراهیم نعمانی قدس الله روحه» نعمانی نسبت داده است (حمین، ۲۰۱۶-ب، ص ۱۲۵).

همو استدلال‌های صوفیانه - غالبانه دیگری را نیز از نعمانی روایت کرده، که بنا بر آن از آن‌جا که مخلوق محدث نمی‌تواند صفت خدای قدیم را بشناسد، و تناسخ مکرر بر عجز او افزوده است؛ بنا بر این ناگزیر است برای دلالت بر خداوند به اسمای ظاهر او پناه ببرد. چرا که ما تنها موجود ظاهر را می‌شناسیم... بنا بر این برخی حقیقت نورانیت و ربوبیت خداند می‌بینند. و برخی تنها بشریت و تصویر خداوند (در حجج) را می‌بینند. و برخی هم هردو را در می‌یابند. ولی کسانی که حجج را مربوب می‌بینند و ربوبیت را انکار می‌کنند، منکر توحید است (حمین، ۲۰۱۶-ج، ص ۳۶۶). وی در ادامه از تعلیل چنین نتیجه می‌گیرد:

«... فثبت لهذا القول أن الباري تعالى ظاهر موجود للعيان كلَّ يراه بحسب الإمكان فمنهم من يراه بالحقيقة وهي النورانية والربوبية ومنهم من يراه بالبشرية والنورانية ويتزوه عما رأى من التصوير، ومنهم من يراه بالبشرية فقط ويُنكر نورانيته، ومنهم من يراه مربوباً ولا يعتقد أنه ربٌّ ويُنكر وجوده مطلقاً وذلك لتفاوت المنازل في معرفته».

فرازهای اخیر در شناخت خدا با تصاویر از معتقدات نصیریان و نیز برخی صوفیان است. (ابن عربی، ۱۹۴۶، ج ۱، ص ۱۲۵، حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۹۷). این دو گزارش نیز می‌تواند برگرفته از رساله الإخلاص منسوب به نعمانی باشد. هر چند شاهد روشنی در تعیین مصدر نداریم. همچنین علاوه بر کاتب نعمانی، در منابع نصیری نام چند نعمانی دیگر از جمله برادر نعمانی مورد بحث و نیز شخص دیگری به نام «أبی القاسم علی بن الحسین بن عیسیٰ النعمانی» دیده می‌شود، (عصمة الدولة، ۲۰۱۶، ص ۱۴، ۵۱، ۵۲، ۹۷، ۲۲۴، ۵۲۰ و...) که حتی شیخ غلات محمد بن علی الجلی، -که پیشتر سخن از ارتباط او با کاتب نعمانی گذشت- رساله «النعمانیة» را برای او نگاشته است (جلی، ۲۰۰۶-ب، ص ۳۰۳ و نک: عصمة الدولة، ۲۰۱۶، ص ۹۶). ابراهیم بن عثمان نعمانی شاعر نیز یکی از این رجال است (طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۹۳؛ دیلمی، ۲۰۰۸، ص ۲۷۸).

۳. مؤیدات اخبار امامیه در مورد گزارش‌های شامی

۱-۳. شناسایی راوی کتاب الغیبه

در مقدمه کتاب الغیبه آمده است:

«حدثنا الشيخ ابوالفرج محمد بن علي بن يعقوب بن أبي قرة القناني رحمه الله قال حدثنا أبو الحسين محمد بن علي البجلي الكاتب و اللفظ من أصله و كتبت هذه النسخة و هو ينظر في أصله قال حدثنا ابو عبدالله محمد بن ابراهيم النعماني بجلب» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۸)

شبهت نام ابوالحسین محمد بن علی البجلی با نام ابوالحسین محمد بن علی البجلی (م ۳۹۹) ولی عهد خصیبی و پیشوای مشهور نصیری که در همین طبقه می‌زیسته و در حلب نیز بوده، (طبرانی، ۲۰۱۶-الف، ص ۲۳؛ حرانی، ۲۰۰۶-ب، ص ۱۸۴؛ بمعمره، ۱۹۵۸، ص ۶؛ مجهول، ۲۰۰۸، ص ۱۱ و ۱۵۸؛ علی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۱۳؛ الطویل، ۱۳۴۳، ص ۱۹۸ و ۲۶۲؛ حسن، ۲۰۰۵، ص ۱۹۲ و ۱۶۲) تأمل برانگیز است! خصوصاً وقتی که در منابع نصیری گزارش حضور نعمانی و جلی در محافل مشترک وارد شده، و نعمانی را شیخ جلی دانسته‌اند (طبرانی، ۲۰۱۶-ج، ص ۱۹۷). علاوه بر حلب، حضور جلی و نعمانی در انطاکیه نیز گزارش شده (آل معروف، ۲۰۱۳، ج ۱، ص ۲۳۳ و عصمة الدولة، ۲۰۱۶، ص ۶۶۵).

راوی الغیبه نیز کاتب خوانده شده است که اشاره به جایگاه حکومتی دبیری دارد، (فرهمندپور، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱-۱۰۸) و در بسیاری از سران نصیری دیده می‌شود (نمونه: خصیبی، ۲۰۰۶، ص ۷۱؛ ۲۰۱۶، ص ۳۲ و ۳۳؛ ۱۴۱۹، ص ۳۲۳ و ۳۳۸؛ طبرانی، ۲۰۱۶-الف، ص ۲۳؛ ۲۰۱۶، ص ۱۹۵؛ حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۸۵؛ ابن معمار، ۲۰۱۶، ص ۸۸؛ طرابلسی، ۲۰۱۶، ص ۱، ۲، ۲۷، ۹۱؛ الطویل، ۱۴۲۴، ص ۱۹۸؛ جسری، ۲۰۱۴، ص ۲۴؛ حسن، ۲۰۰۵، ص ۱۶۴). جایگاه ویژه جلی نزد حکام آل حمدان (نک: حسن، ۲۰۰۵، ص ۱۹۴) نیز ظاهراً مرتبط با منصب او بوده باشد، تا آنجا که او متصدی خرج زکات دولت سعد الدولة حمدانی و حتی استاد او شمرده شده است (آل معروف، ۲۰۱۳، ج ۱، ص ۲۳۱). دیگر این که جلی به مانند ابن شعبه از معدود نصیریانی است که شواهدی از توجه ایشان به مصادر و اخبار امامی برجامانده است (جلی، ۲۰۰۶-الف، صص ۱۶۵، ۱۷۰-۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۹۳-۱۹۴، ۱۹۶ و...).

با این وجود در رجال نجاشی و الغیبه طوسی و برخی از نسخ الغیبه نعمانی این راوی با همین نام ولی با نسبت شجاعی است؛ نه بجلی (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۲۷ و ۲۵۷ از ابن حاشر؛ نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۸). متأسفانه در منابع امامی اطلاعاتی در مورد نام «شجاعی» غیر از روایت الغیبه توسط او به دست نیامد. البته بنا بر گفتار نجاشی هم - شاید در جوانی - شاهد جلسه

قرائت الغیبه بر این راوی در نجف بوده است. و نسخه قرائت شده توسط فرزند این راوی (ابوعبدالله الحسین) به نجاشی رسیده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳).

همچنین با وجود قدمت نسخه نجاشی (نک: درایتی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۱۴) و اتفاق آن با نسخه الغیبه طوسی در نسبت شجاعی، و تکرار چهار باری آن در رجال نجاشی احتمال تصحیف «الجللی» به «الشجاعی» بعید می‌نماید. با تضعیف احتمال تصحیف می‌توان این احتمال را مطرح نمود که جلی در سفرش (از شام) به عراق، نسبت دیگری را برگزیده تا شهرت نصیری او برایش مشکل ایجاد نکند، (نمونه استفاده از نام مستعار در نصیریه: حسن، ۲۰۰۵، ص ۱۳۱) اما ارتباط رجالی سخت‌گیر، نجاشی با فرزند راوی الغیبه نعمانی چگونه با اتحاد راوی با فرزند جلی می‌سازد؟ اما باید دانست تحرز نجاشی از متهمان بعد از آشکارشدن قرائن ضعف بوده (نمونه: نجاشی، ص ۳۹۶).

چه بسا برخی از نصیریان مانند جلی، ابن‌شعبه در ارتباط خود با امامیه تعالیم مذهب اختصاصی خود را کاملاً مخفی می‌داشته‌اند. این مطلب با توجه به تفاوت‌های آثار منسوب به هر یک از آنان موجه است (نک: اکبری، ۱۳۹۸، ش ۱، ۲ و ۴) با این وجود نسخه گرفتن نجاشی از فرزند راوی الغیبه صحت مذهب او را در نظر نجاشی نتیجه نمی‌دهد، چه آن که خود نجاشی تصریح می‌کند که گاه نسخه‌های اصلی اثر مؤلفی «فاسد المذهب و الروایه» و «مضطرب» را از مستقیماً از خود مؤلف گرفته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۸، ش ۶۹۸، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۲) و چه بسا او به طور کلی به جمع آوری نسخ مؤلفان اهتمام داشته است (ر.ک: نجاشی، ص ۲۶۸، ش ۶۹۹). نیز فرض داشتن برخی از مرویات غالبانه در کنار آثار غیر غالبانه، با مدح یک راوی مانند نعمانی منافات قطعی ندارد؛ چنانکه رجالیان به روایت بسیاری از ثقات و روات سرشناس از ضعیفان و متهمان، یا وجود مناکیر در اخبار ایشان اذعان نموده‌اند (نک: اکبری، ۱۳۹۷، بخش ۳-۲-۴).

شاید اینکه راوی نسخه فعلی الغیبه (با ضبط البجلی) ابوالفرج قنائی، خود از مصاحبان بنام نجاشی بوده است، ترجیح نسبت «الجللی» را تقویت نماید، چه آن‌که دو نکته مهم را در مورد او باید در نظر داشت: نخست آن‌که ابوالفرج نیز به مانند نعمانی و نیز راوی مستقیم الغیبه «کاتب» خوانده شده، که با توجه به حکومتی بودن این جایگاه احتمال ارتباطات ویژه‌تر او با این صنف تقویت می‌شود. و ثانیاً او اثری با عنوان «معجم رجال اُبی المفضل» داشته است (نجاشی، ص ۳۹۸) که با عنایت به معاصرت او با ابو المفضل شیبانی و تألیف اثری مختص به او، می‌توان این احتمال را داد که او با شیبانی به طور خاص مرتبط بوده است.

از سویی می‌دانیم که شیبانی نیز با بزرگان غلو مانند شلمغانی در دوران استتارش مرتبط بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۹). پس می‌توان احتمال داد که ابوالفرج قنایی با نسبت اصلی راوی الغیبیه (محمد بن علی جلی) آشناتر از نجاشی بوده باشد. چه آنکه نجاشی و استاد مهمش، ابن غضائری هیچ ترجمه‌ای از سران نصیری پس از خصیبی (مانند جلی، جسری، ابن شعبه، طبرانی و...) به دست نداده‌اند. در حالی که تا پیش از آن حتی رجال کم‌اهمیت‌تر ایشان را شناسانده‌اند (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ص ۴۷، ۷۹، ۸۱ و نک ص ۵۴ و ۹۹؛ نجاشی، ص ۶۷). و این می‌تواند با شدت کتمان نصیریان از این دوره مرتبط باشد (نک: طبرانی، ۲۰۰۶، ش ۲۷ و ۹۵؛ حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۳۹ و ۱۴۰).

گفتنی است که در منابع دستیاب نصیری نام و نشانی از عنوان شجاعی یافت نشد. البته کنیه ابو الحسین مؤید این است که جلی فرزندی به نام حسین داشته باشد، اما در فهرست اولاد الجلی، (یعنی شاگردان او) نامی از فرزندان خونی او به چشم نمی‌خورد، (ر.ک: ابن معمار، ۲۰۱۶، ص ۸۸) که می‌تواند مؤید آن باشد که در میان نصیریان شام مشهور نبوده‌اند. با این وجود تراجم نگار مشهور علوی، حسین حرفوش ترجمه حسین فرزند جلی را با اوصاف «کان (عليه السلام) علامة ثقة فیلسوفاً حکیماً شجاعاً. له تألیف حسنه مشهوره ولد نحو ۳۵۵» آورده‌است (آل معروف، ۲۰۱۳، ج ۱، ص ۲۵۵؛ علی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۱۳۸).

تعبیر «حکیم شجاع» گرچه نزد ما جداً غریب است، اما می‌تواند اشاره به شهرتی خاص برای فرزند جلی باشد؛ که وصف «شجاعی» در منابع امامی برگرفته از آن باشد. بنا بر این با توجه به مجموعه قرائن فوق (اتحاد نام خود راوی، پسر، پدر، کنیه، نسبت، شهر، طبقه، راوی مرتبط، منصب حکومتی، گرایش به روایت اخبار امامی و...) می‌توان گفت ظاهراً راویان الغیبیه همان جلی و فرزندش بوده‌اند، که البته در بغداد خود را با نام شجاعی شناسانده‌اند. و با توجه به شدت پراکندگی قرائن در مورد جلی و نیز نیافتن شواهدی از استفاده نصیریان از نسخه الغیبیه نعمانی، این احتمال وجهی ندارد که نصیریان اوصاف راوی الغیبیه را - که نزد امامیه جایگاه روشنی ندارد - گردآورده، و برای پیشوای سرشناس خود جعل کرده باشند.

۲-۳. الغیبیه و راویان اختصاصی غلو

در منابع امامیه روایت از برخی از سران غلات به کلی متروک است. اما گاه روایت از آنان در میان نصیریان رایج است. در الغیبیه نعمانی در بابی در مورد وصایت موسی بن جعفر که به نحوی رد بر اسماعیلیه است، گزارشی به شکلی غیر متعارف بدون سند آمده است. نعمانی از زراره روایت نموده که در مجلسی مفضل، داوود رقی، حمران و... تا سی نفر بودند که حضرت امام

صادق^(ع.ا.س) جنازه اسماعیل را نشان جمع می‌دهد و در پایان امام کاظم^(ع.ا.س) را ولی بر حق معرفی می‌کند و... (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۲۸) و تنها بعد از ذکر حدیث می‌گوید حدیث را نزد برخی از برادران یافته و بدون نام بردن از او گفته که آن شخص آن را از نسخه ابوالمرجی تغلبی - که او را نمی‌شناسیم - روایت نموده و او با قالبی غریب سندی تا زراره داده که همه راویانش نیز به جز «محمد بن صدقه» متهم به غلو مجهول‌اند.

ابوالمرجی گوید حدیث را بر برخی از اصحابش عرضه نموده و او گفته «الحسن بن المنذر» خبر را به اسنادش از زراره روایت نموده است. در ادامه همین سند ابن منذر زیادتی برای خبر در مورد چیرگی صاحب الأمر ذکر می‌شود، که این احتمال را به ذهن می‌آورد که شاید خبر مانند برخی اخبار واقفی ناظر به حضرت موسی بن جعفر است. اما در قدیمی ترین نسخه الغیبه ابن باب به کلی از کتاب افتاده است. و از باب تنها همین فراز در مورد نسخ برجامانده؛ ولی خبری از اخبار قبل و بعد آن نیست. (نسخه آستان قدس، برگ ۱۸۵) در این نسخه نکته بالا در ادامه حدیثی دیگر در مورد حضرت مهدی جای گرفته است، که احتمالاً ناشی از سقط است. (برابر با خبر نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۶، ش ۱۲).

ابن المنذر در این طبقه به کلی در منابع امامیه ناشناخته است. ولی منابع نصیری اخبار غالبانه متعددی از او آورده‌اند (خصیبی، ۲۰۰۷، ص ۳۹۰؛ حرانی، ۲۰۰۶، ص ۴۶، ۱۱۸، ۱۶۶ و...). ابن شعبه چند طریق به ابن المنذر دارد. و از مشایخ «ابو اللیث محمود الشاشی» در «کتاب المرشد» (حرانی، ۲۰۰۶؛ ص ۱۱۰ و ۲۰۱۶، ص ۹۹) و راوی کل کتاب «المترجم بالممدوحین و المذمومین» (ر.ک: ابن غضائری، ۱۳۶۰، ص ۹۶) و کنیه‌اش نیز ابو محمد (ص ۱۱۸ و نیز به طریق دیگر: بعمره، ۱۹۵۸، ص ۹) و نسبتش «عبسی» دانسته شده (عصمه الدولة، ص ۶۲۸).

چنانکه گذشت ابن شعبه در اثر غالبانه و اباحی خود موضع محکمی در قبال معارضان محمد بن نصیر نگرفته و به ویژه از اسحاق بن محمد بسیار روایت نموده است؛ در حالی که در کتب سران نصیریه غالبان مخالف ابن نصیر شدیداً لعن و طرد شده‌اند. و ابن المنذر در کنار اسحاق بن محمد از مخالفان بوده، (طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۲۰۵؛ همو، ۲۰۱۶-ج، ص ۳۰۷؛ خصیبی، ۲۰۰۶، ص ۱۱۰؛ عصمه الدولة، ۲۰۱۶، ص ۴۶، ۶۲۸؛ خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۳۳۸؛ آل معروف، ۲۰۱۳، ج ۱، ص ۳۶۷) و حتی خصیبی در ذم او اشعاری سروده (خصیبی، ۲۰۰۱، ص ۱۰۶) در مصادر امامیه از او تنها خبری در موضوع زمان میلاد امام عصر نقل شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۲). موضوعی که در آن اخبار دیگری از خطابییه نیز در کنار اخبار امامی در دست است، و گاه به منابع امامیه نیز راه یافته است (نک: باقری، ۱۳۹۶، بخش ۳ و ۴؛ طوسی، ۱۳۷۳،

ص ۴۱۸). کتاب طب الأئمه نیز که حاوی خبری از ابن منذر است؛ (نک: طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۴۴) بنا بر آخرین پژوهش‌ها از مؤلفی خطابی است (انصاری، ۱۳۹۶، ص ۶۹۸-۷۰۳).

در اهمیت پایین‌تر در منابع امامیه تنها روایتی که در طریقش مغیره بن سعید، رئیس غلات مغیره وجود دارد، خبری از امام باقر ع در الغیبه است (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۵، ش ۱۶). و البته گرچه در برخی از نسخه‌ها راوی این خبر به صورت «معاویة بن سعید» ضبط شده، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۱۶) اما «معاویة بن سعید» از امام رضا (علیه السلام) روایت می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۱۰؛ طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۶). و در قدیمی‌ترین نسخه خطی الغیبه نعمانی نیز «مغیره بن سعید» آمده است (نعمانی، ۵۷۷، برگ ۱۷۶؛ در مورد نسخه نک: درایتی، ۱۳۹۰، ج ۲۳، ص ۴۷۷).

۳-۳. ابهام‌هایی در مورد برخی از مهم‌ترین مشایخ نعمانی

گذشت که نصیریان مشایخی غالی برای نعمانی، برشمرده‌اند؛ و در این میان، چند منبع نصیری روایاتی فاسد را به شخصیت سرشناسی چون محمد بن همام اسکافی، از مهم‌ترین مشایخ الغیبه نسبت داده‌اند (بخش ۲-۲ تا ۶-۲) اما قابل توجه آن‌که گاه برخی از این موارد در جریان‌های حدیثی غیر نصیری نیز به ابن همام منسوب است (نمونه: منسوب به طبری، ۱۴۱۳، ص ۱۸۸ خبری در نفی بلایا؛ اسکافی، ۱۴۲۲، صص ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۷۳، ۷۶، ۸۰، ۸۳). با آن‌که نجاشی و شیخ طوسی هر دو ضمن توثیق محمد بن همام او را «کثیر الحدیث» دانسته‌اند؛ اما نجاشی ترجیح داده از کتبش فقط از «کتاب الأنوار» نام آورد؛ و شیخ نیز در طریقش به او تنها او را صاحب «روایات کثیره» دانست است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۰؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۰۲).

در بابیت برخی رجالی که تنها مصادر غلات آن‌ها را باب دانسته‌اند (نک: صفری، ۱۳۹۶، ص ۴۴) رجالی شهیر نجاشی از ارتباط ابن همام و ابوغالب زراری با راویان شدیداً متهمی چون جعفر بن مالک بسیار تعجب می‌کند، ولی ترجیح می‌دهد در مورد وجه آن در کتابش سخنی نگوید:

«جعفر بن محمد بن مالک... کان ضعيفا في الحديث، قال: أحمد بن الحسين كان يضع الحديث وضعاً و يروي عن المجاهيل، و سمعت من قال: كان أيضا فاسد المذهب و الرواية، و لا أدري كيف روى عنه شيخنا النبيل الثقة أبو علي بن همام، و شيخنا الجليل الثقة أبو غالب الزراري رحمهما الله، و ليس هذا موضع ذكره» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۲).

جالب آن‌که زراری هم از انگشت‌شمار راویان نعمانی است (زراری، ص ۶۷). همچنین غیر از نعمانی، از مهم‌ترین راویان ابن‌همام را، تلعبیری و ابوالمفضل شیبانی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۳۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۰؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۰۲؛ و نک همو، ۱۴۱۱، ص ۱۳۵، ۲۱۵، ۳۹۷ و... طبری، ۱۴۱۳، ص ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۶۸ و ص ۲۷۱، ۳۷۵، ۴۶۰ و...). حال آن‌که تلعبیری شاخص‌ترین و شاید تنها امامی است که مستقیماً از خصیعی، قطب اعظم نصیری به روایت نموده است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۳؛ خزاز، ۱۴۰۱، ص ۲۳۶). شیبانی نیز در دوران استتار شلمغانی، قطب غلات عزاقره با او مرتبط بوده (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۹). و در دورانی معظم اصحاب رجالی بر شیبانی طعن زده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۶. و نیز نک: طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۰۱). همچنین بخش مهمی از اخبار رد بر متهمان به غلو و بابت در دوره غیبت صغری، مانند شلمغانی، شریعی و احمدبن‌هلال به روایت ابن‌همام است؛ (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۰۷، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۸-۴۱۰) و این نشان‌گر آشنایی ویژه او با این رجال است.

مجموع این موارد البته خللی به توثیق ثقات وارد نمی‌کند؛ اما نشان می‌دهد که این رجال با برخی از راویان مطرود امامیه ارتباط نزدیک‌تری داشتند و احتمالاً در برخی از مسائل کلامی نیز آرای ایشان از مشهور بزرگان امامیه فاصله گرفته و به جریان غلو نزدیک شده است. با این وجود ادعای اسحاقی بودن یا نصیری بودن محمدبن‌همام در برخی از کتب مربوط به علویه (برای نمونه نک: آل معروف، ۲۰۱۳، ص ۲۵۵ و ۳۸۳؛ ابن‌هارون، ۲۰۰۶، ص ۴۵۰) نادرست است؛ و با آرای او در مصادر معتبر ناسازگار است (مثلاً در نوع نگاه او به وکلا: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۶۲ و ۳۷۱).

۴-۳. گرایش نعمانی در تألیف آثار

به عنوان مویدی ضعیف بر مطالب پیشین می‌توان این نکته را افزود که نجاشی، از جمله آثار نعمانی را کتابی در رد بر اسماعیلیه دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳). گرچه این به خودی خود نکته مثبتی است؛ اما باید در نظر داشت که بسیاری از ردیه‌های متقدم شیعی بر اسماعیلیه از سوی روات متهم به غلو نوشته شده است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۶ و ۳۱۰، طوسی، ۱۴۲۰، ص ۵۴۹).

در منابع نصیری و اسماعیلی بر ردود میان این دو فرقه تأکید شده است (نمونه: علی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۹؛ دندشی، ۲۰۰۰، ص ۵۶ و ۵۷؛ زوزنی، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۷۴). وجه مطلب رابطه نزدیک‌تر فرق باطنی با یکدیگر است. با این وجود اکثر ردیه‌های متقدم بر اسحاقیان و نصیریان نیز از سوی دیگر غالیان نوشته شده است (برای نمونه دیگر ردود غالیان بر یکدیگر نک: خصیعی،

۲۰۰۱، ص ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۵۹؛ عصمة‌الدوله، ۲۰۱۶، ص ۵۰۴-۵۲۵ و ص ۶۶۷-۶۷۹؛ و نک: ضیائی، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۸۱ و ۱۲۶). و اصولاً بسیاری از ردیه‌های بر فرق از سوی نزدیک‌ترین جریان‌ها بر ایشان نوشته می‌شده است.

در منابع امامی آثار دیگری نیز برای نعمانی برشمرده‌اند، که همگی این عناوین (و البته به خلاف عنوان کتاب الفرائض او) مورد اهتمام مائلین به غلو نیز هست؛ مانند:

- کتاب الدلائل (ابن طاووس، ۱۳۶۸، ص ۹۵، همو، ۱۴۰۹، ص ۱۱۹ و ر.ک: طوسی، ص ۲۵۷)
- رساله تفسیر القرآن (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱) که حاوی بعضی از غرائب است و البته همه نسخه موجود را نمی‌توان از نعمانی دانست (نک: انصاری، ۱۳۸۶).

- روایت اجزائی حاوی «دعاء السر» به خط او (زراری، ۱۳۶۹، ص ۱۷۹ و ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۲۳۳: روایت دعاء الاعتقاد از علی بن محمد بن یوسف حرانی از او؛ نیز مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۷، ص ۱۴۳ از غازی بن محمد طرائقی نقل دعا‌های روزهای هفته از خط او).

گرچه این موضوعات در کنار موضوعات بسیار دیگر مورد توجه امامیه نیز هست، اما غالبان معمولاً به موضوعات محدودتری از این دست اهتمام دارند؛ و از این جهت اجتماع عناوین محدود فوق در آثار نعمانی را نباید از نظر دور داشت.

همچنین بنا بر نظر برخی پژوهشگران نعمانی در برابر اکثریت امامیان متقدم از نخستین مؤلفان سرشناسی بوده که در بحث نفی سهو النبی عقیده‌ای داشته که تا دوره خود تا حدی نزدیک‌تر به دیدگاه غالبان و نه امامیه بوده (گرامی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۱-۲۳۶). اما بحث از قرائن این مطلب خارج از عهده این مقاله است.

با این وجود کتاب الغیبه نعمانی عموماً بر اساس روایات امامیه (اعم از معتبر و نا معتبر) تألیف شده است (شبییری، ۱۳۸۱، ش ۲؛ معرفت و غفوری‌نژاد، ۱۳۹۷). و استفاده او از مصادر برخی از متهمان به غلو (نک: معرفت و غفوری‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹) نیز در مصادر امامی امر غریبی نیست. هرچند که اگر برخی از روایات فرق در دیگر کتب امامی مانند الغیبه شیخ (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۳-۶۱) در این کتاب یافت می‌شد، ممکن بود نسبت به اعتبار خود کتاب هم تردید بیشتری ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

گرچه اخبار فوق حاکی از ارتباط نعمانی با برخی جریان‌های غالبانه شدیداً افراطی است. اما عمده قرائن اصلی در نسبت عقاید نادرست به او از طریق غالبان و گاه از مجهولان است. و

نمی‌توان برای تضعیف مذهب ثقات و بزرگان - هرچند در دوره‌ای خاص - به آن اتکا کرد (در مورد اتهام عمومی غلات، نک: صفری، ۱۳۷۸، ص ۳۳۰-۳۳۵؛ کشی، ۱۴۰۹، ص ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۵، ۵۲۹ و...؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ص ۲۰۳، ۱۴۳).

در مهم‌ترین سند امامی تشکیک کننده در صحت برخی از عقاید نعمانی در رسائل سید مرتضی، سائل طرابلسی گرچه ظاهراً نه نصیری، بلکه امامی بوده، اما معلوم نیست در انتساب کتاب به نعمانی صائب بوده باشد. بلکه ضرورتی ندارد که مسلک سائل را کاملاً همسو با سید مرتضی بپنداریم. هم چنان‌که در مسائل شیخ مفید و سید مرتضی گاه تضادهای نظری آشکاری میان پرسش‌گران و پاسخ‌دهندگان دیده می‌شود (مفید، ۱۴۱۳-ج، ص ۲۹).

از مجموع قرائن می‌توان گفت قطعاً انتساب این مسائل به نعمانی بنا بر سهو و یا خلط نام او با دیگران نبوده است، بلکه قرائن بر اتحاد مهم‌ترین راوی کتاب الغیبه، و جلی پیشوای نصیریان کافی است، و اصل نوعی از ارتباط نعمانی با نصیریان قابل انکار نیست. و البته قرائن حاکی از عدم آشنایی کافی رجالیان بغداد، از این روابط است. بنابراین به قرینه نبود قرائن روشن غلو در کتاب رایج او در نزد امامیه (الغیبه) محتمل است:

۱. عقائد و رویکرد نعمانی در شام تغییر کرده باشد، و به غالیان مایل شده باشد (مانند بزرگانی چون شلمغانی و شاید ابن شعبه حرانی نک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۶). یا آن که در سفر خود به بغداد چیزی از عقائد انحرافی خود را اظهار نکرده باشد. و به سبب برخی از آثار عمومی غالیان، عقاید خود را در آن نشان نداده باشد. که فعلاً علی‌رغم وجود قرائن ضعیف متعدد دلیل معتبری ندارد. و در حد نوعی از ارتباط ناشناخته با غلات است.
۲. غلات از حضور نعمانی در شام و ارتباط با او استفاده کرده باشند و همه این‌ها را به او بسته باشند.

این فرض با رویکرد بسیار شدید نصیریه نسبت به غیر نصیریه در بدو امر قدری عجیب به نظر می‌آید. چرا که در بسیاری از آثار ایشان غیر نصیریان و خصوصاً شیعیان غیر نصیری شدیداً تکفیر می‌شوند (اکبری، ۱۳۹۷-پ، بخش ۵-۱). نصیریه هرگز نسبت‌هایی از سنخ آنچه که در مورد نعمانی گفته‌اند را به علمای بزرگی مانند شیخ کلینی، صدوق، مفید، طوسی و... نداده‌اند. با وجود آن که برخی از ایشان سفرهایی هم به شام داشته‌اند (نمونه: ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۵۶، ص ۲۹۷). نصیریه حتی نزدیک‌ترین فرق نسبت به آنان یعنی اسحاقیه را شدیداً لعن و تکفیر و حتی گاه کشتار کرده‌اند (عصمه‌الدوله، ۲۰۱۶، ص ۶۶ و ۶۷؛ طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۳۶۶؛ خصیبه، ۲۰۰۶، ص ۱۱۰).

البته در میان نصیریه پیشوای بزرگ آنان حسین‌بن حمدان در اسناد نادری ادعای سماع از مشایخ فرق مختلف شیعی از اسحاق احمر، شلمغانی تا مشایخ سرشناس قم مانند حمیری و برقی و اشعری را نموده، (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۵۳ و طبرانی، ۲۰۱۶-ب، ص ۷۳) و البته نه در مقام تأیید آن‌ها، که در صدد تأیید خود و روایاتش بوده است. با این حال بر فرض مخالفت نعمانی با نصیریه چه داعیه‌ای داشته‌اند که تا این حد عقائد خود را همراه با ترضی به نعمانی نسبت دهند؟!

بعید است که ایشان مشایخ غیر نصیری هم جوار معاصر یا نزدیک به زمان خود را -با وجود کثرت مشایخ نصیری و نیز پرهیز و برائت ایشان از شیعه- به دروغ به خود ببندند. اما از سوی دیگر در فرض سلامت مذهب نعمانی می‌توان جایگاه حکومتی نعمانی و شاید مدارای احتمالی وی با فرق و حضور مستمر او در شهر حلب از مراکز غلات، و ارتباط کسانی چون جلی و... با او را وجهی برای علاقه نصیریه به او پنداشت. خصوصاً آنکه نصیریه به بزرگان برخی از فرق دیگر و خصوصاً صوفیان باطنی (مانند شبلی و جنید) علاقه نشان داده و گاه خواسته‌اند آنان را از خود بنمایانند (عصمة الدولة، ۲۰۱۶م، ص ۱۷۸).

به هر حال قرائن پیش برای تخطئه مذهب نعمانی کافی نیست؛ و گرچه هنوز توجیه روشنی برای عنایت نصیریان به نعمانی در دست نیست، اما از آن سو در روایات امامیه از او نیز هیچ اثر روشنی از گرایش وی به غلو به چشم نمی‌خورد.

هم چنین کلمات رجالیان در مورد برخی از مشایخ نعمانی، مانند ابن همام، مشعر به برخی از روابط مشکوک است. و بررسی روایات ابن همام صحت گفتار نجاشی را نشان می‌دهد. هرچند که در توجیهش می‌توان آن را صرف رویکرد سهل گیرانه‌تر برخی از بزرگان محدث بغداد نسبت به امثال شیخ طوسی و نجاشی در بغداد و یا شیخ کلینی و ابن ولید در قم دانست. شاید دسترسی به آثار برجامانده منسوب به نعمانی ما را برای قضاوت در این زمینه بیشتر یاری دهد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

آل معروف، امیل عباس، (۲۰۱۳م)، *تاریخ العلویین فی بلاد الشام*، لبنان: دار الأمل والسلام.
ابن العدیم، کمال الدین عمر بن احمد بن ابی جراده، (بی تا)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، بیروت: دارالفکر.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا* ^(عجله) تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.

ابن داوود حلی، تقی الدین حسن بن علی، (۱۳۸۳ق)، *رجال ابن داوود*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع واقدی، (۴۱۰ق)، *الطبقات الكبرى*، محقق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه.

ابن طاووس، رضی الدین، (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، محقق: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم: دار الذخائر.

ابن طاووس، رضی الدین، (۱۳۶۸ق)، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم: دارالذخائر.

ابن طاووس، رضی الدین، (۱۴۰۹ق)، *الأمان من أخطار الأسفار والأزمان*، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام).

ابن عربی، محمد بن علی، (۱۹۴۶م)، *فصوص الحکم*، قاهره: دار إحياء الكتب العربیه.

ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، محقق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.

ابن غضائری، احمد بن حسین، (۱۳۶۰)، *الرجال*، محقق: محمد رضا حسینی جلالی، قم: دارالحديث.

ابن معمار، ابو عبدالله جلال الدین، (۲۰۱۶م)، *الجدول النورانی*، بی جا، بی نا.

ابن هارون، ابو عبدالله الحسین الصانع، (۲۰۰۶م)، *البدء و الإعادة*، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.

اسکافی، محمد بن همام، (۱۴۲۲ق)، *منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار* ^(عجله)، قم: نشر دلیل ما.
اکبری، عمیدرضا، (۱۳۹۷)، «پیوند عقیدتی غلو و تصوف»، ویژه نامه همایش تصوف شاخصه‌ها و تقدما، ش ۱.

اکبری، عمیدرضا، (۱۳۹۷)، *بررسی اختلافات مبانی قدما و متأخران امامیه در تضعیفات رجالی*، قم: پایان نامه سطح ۳ حوزه علمیه قم.

اکبری، عمیدرضا، (۱۳۹۸)، «رویکرد مصادر فرقه غالی نصیری به نصوص وصایت امیر المؤمنین ^(عجله) با تأکید بر حدیث غدیر»، ویژه نامه همایش ملی غدیر.

انصاری، حسن، (۱۳۸۶)، «تفسیر امام صادق (ع) به روایت امام هادی (ع) در سنت صوفیان و تفسیر نعمانی»، سایت کاتبان، ansari.kateban.com/post/1250

انصاری، حسن، (۱۳۹۶)، «از میراث غلات، کتاب طب الأئمة منسوب به پسران بسطام»، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۴.

اهوازی کوفی، حسین بن سعید، (۱۴۰۲ق)، الزهد، مصحح: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: المطبعة العلمية. باقری، حمید، (۱۳۹۳)، «پژوهشی در انتساب چند اثر جدید الإبتشار به ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی، محدث شناخته شده شیعی»، مجله علوم حدیث، دوره ۱۹، ش ۴.

باقری، حمید، (۱۳۹۶)، «الكافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق»، رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، س ۴۹، ش ۱.

بعمره، محمود (۱۹۵۸م)، رساله تحفة الأخیار، تحقیق اشتر و طمان، برلین: نشر نصیری.

بغدادی قطیعی، ابو عبدالله محمد بن محمد، (بی تا)، الرسالة البغدادیة، تراث العلویین، لبنان: دار لأجل المعرفة.

پاکتچی، احمد، (۱۳۸۲)، «گونه شناسی نام‌های کنیه‌سان برای مطالعه رجال»، مجله مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۴.

جسری، علی بن عیسی، (۲۰۱۴م)، رسالة التوحید، بی جا: بی نا.

جعفی، المفضل بن عمر، (۲۰۰۶م-الف)، کتاب الهفت ال شریف، المجموعة المفضلیة، سلسله تراث العلویین، لبنان: دار لأجل المعرفة.

جعفی، المفضل بن عمر، (۲۰۰۶م-ب)، الرسالة المفضلیة، لبنان: دار لأجل المعرفة.

جلی، ابوالحسین محمد بن علی، (۲۰۰۶م-الف)، حاوی الأ سرار، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.

جلی، ابوالحسین محمد بن علی، (۲۰۰۶م-ب)، الرسالة النعمانیة، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.

جلی، ابوالحسین محمد بن علی، (۲۰۱۶م-ج)، الرسالة الجوهریة، بی جا: المجموعة الكاملة.

حدا، ابوالخیر سلامه بن احمد، (۲۰۱۱م)، مهدیة الرشاد، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت.

حرانى، حسن بن على بن شعبه (٢٠١٦م-الف)، *حقائق اسرار الدين*، تصحيح: حسن يونس حسن، بي جا: المجموعه الكامله.

حرانى، حسن بن على بن شعبه (٢٠١٦م-ب)، *موضحه حقائق الاسرار*، سلسله تراث علوى، لبنان: دار لأجل المعرفه.

حرانى، حسن بن على بن شعبه، (٤٠٤ق-الف)، *التمحيص*، قم: مدرسه الإمام المهدي (عل السلام).
حرانى، حسن بن على بن شعبه، (٤٠٤ق-ب)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى.

حرانى، حسن بن على بن شعبه، (٢٠٠٦م)، *حقائق اسرار الدين*، سلسله تراث علوى، لبنان: دار لأجل المعرفه.

حرانى، محمد بن شعبه، (٢٠٠٦م)، *الأصيفر*، سلسله تراث علوى، لبنان: دار لأجل المعرفه.

حرانى، على بن حمزه، (بى تا)، *حجّه العارف*، بي جا: المجموعه الكامله.

حسن، حسن يونس (٢٠٠٥م)، *منايع العرفان، عند العلويين، الشيعة الخصيه*، حمص: الدار السوريه للدراسات والنشر.

حسينى جلالى، محمدرضا، (٤٠٩ق)، «الكنيه، حقيقتها وميزانها وأثرها فى الحضاره والعلوم الإسلاميه»، *مجله تراثنا*، س ٤، ش ١٧.

حمين، حسين احمد (٢٠١٦م-الف)، *جاده النجاح*، بي جا: المجموعه الكامله.

حمين، حسين احمد (٢٠١٦م-ب)، *غنيمه السفر وبلوغ الوطر، رداً على رساله دره الدرر*، بي جا: المجموعه الكامله.

حمين، حسين احمد (٢٠١٦م-ج)، *قلائد الدرر وبهجه الصور رداً على المختصر*، بي جا: المجموعه الكامله.

حمين، حسين احمد (٢٠١٦م-د)، *الوصيه المومئيه بدره الصفا فى ترك البغى والحسد*، بي جا: المجموعه الكامله.

خامه يار، احمد، (١٣٩٥)، «شواهد انتشار تشيع در اردن و فلسطين تا سده ششم هجرى تشيع در طبريه و اردن»، *فصلنامه كتاب گزار*، ش ٣ و ٢.

خزاز رازى، على بن محمد (٤٠١ق)، *كفايه الأثر فى النص على الأئمه الإثني عشر*، مصحح: عبد اللطيف حسينى كوهكمري، قم: بيدار.

خصيبى، حسين بن حمدان (٤١٩ق)، *الهدايه الكبرى*، بيروت: البلاغ.

خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۲۹ق) *الهدایة الکبری*، تحقیق: شوقی الحداد، بیروت: مؤسسه السراج للطباعة و النشر و التوزیع.

خصیبی، حسین بن حمدان (۲۰۰۱م)، *دیوان*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

خصیبی، حسین بن حمدان (۲۰۰۶م)، *الرسالة الرستباشیة*، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.

خصیبی، حسین بن حمدان (۲۰۱۱م)، *المائدة*، تحقیق: هاشم عثمان، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۰ش)، *فنخا* (فهرستگان نسخه‌های خطی)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

دندشی، جعفر الکنج (۲۰۰۰م)، *المدخل الی المذهب النصیری*، اربد: الروزنا.

دیلمی، ابو صالح (۲۰۰۸م)، *هدایة المسترشد و سراج الموحد*، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.

ربیع، معلا (۲۰۱۶م)، *رسالة بهجة الأسرار*، بی جا: archive.org.

رداد، عجوز (بی تا)، *مناظرة الشيخ رداد مع الحاتمیة*، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.

زراری، أبوغالب احمد بن محمد (۱۳۶۹ش)، *رسالة أبي غالب الزراری إلى ابن ابنه فی ذکر آل أعین*،

مصصح: محمدرضا حسینی، قم: مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامیة.

زوزنی، حمزه بن علی (۱۹۸۶م)، *الرسالة الدامغة علی الفاسق، الرد علی النصیری*، رسائل الحکمة، لبنان:

دار لأجل المعرفة.

شبییری، محمدجواد، (۱۳۸۰)، «نعمانی و مصادر غیبت»، *مجله انتظار موعود*، س ۲، ش ۱۵.

شریف مرتضی، أبو القاسم علی بن الحسین (۱۴۰۵ق)، *رسائل الشریف المرتضی*، تقدیم: السید احمد

الحسینی، إعداد: السید مهدی الرجائی، قم: دارالقرآن الکریم.

صفری فرو شانی، نعمت‌الله (۱۳۷۸ش)، *غالیان، کاوشی در جریان‌ها و برایندها*، مشهد: آستان قدس

رضوی.

صفری فرو شانی، نعمت‌الله، (۱۳۹۵)، «مذنب باییت امامان در ترازوی نقد برر سی محتوا شنا سانه با

توجه به کتاب رازداران حریم اهل بیت ع»، *مجله شیعه پژوهی*، ش ۶، ص ۹۱-۱۲۳.

صفری فرو شانی، نعمت‌الله، (۱۳۹۶)، «اعتبار سنجی آموزه باییت امامان در عصر حضور تا پایان غیبت

صغری»؛ بررسی منبع شناختی»، *مجله تاریخ اسلام*، ش ۷۲، دوره ۱۸.

صویری، علی بن منصور (۲۰۱۶م)، *الرسالة النوریة*، بی جا: archive.org.

ضیائی، علی اکبر، (۱۹۹۲م)، *فهرس مصادر الفرق الإسلامیة*، بیروت: دار الروضة.

طبرانی، ابوسعید میمون بن القاسم (۱۹۴۳م)، *مجموع الأعیاد*، تحقیق اشتر و طمان، هامبورگ: مجله الاسلام.

طبرانی، ابوسعید میمون بن القاسم (۲۰۰۶م)، *مجموع الأعیاد*، لبنان: دارالاجل المعرفة.

طبرانی، ابوسعید میمون بن القاسم (۲۰۱۶م-الف)، *الجواهر*، بی جا: archive.org.

طبرانی، ابوسعید میمون بن القاسم (۲۰۱۶م-ب)، *الحاوی فی معرفة الفتاوی*، لبنان: دار لأجل المعرفة.

طبرانی، ابوسعید میمون بن القاسم (۲۰۱۶م-ج)، *الرد علی المرتد المعروف بالنجدیة*، بی جا: archive.org.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، *مکارم الأخلاق*، قم: الشریف الرضی.

طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم: نشر بعثت.

طرابلسی، محمد بن الحسن بن اللیث (۲۰۱۶م)، *الجوهرة الطالقانیة*، تصحیح: حسن یونس حسن، بی جا: المجموعة الكاملة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، تحقیق: عبادالله تهرانی، قم: دارالمعارف الإسلامیة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعة و اصولهم*، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم: کتابخانه محقق طباطبایی.

الطویل، محمد امین غالب (۱۳۴۳ق)، *تاریخ العلویین*، لاذقیه: الترقی.

عباس، حسین علی (بی تا)، *اللسان فی ظلال القرآن*، لاذقیه: الترقی.

عصمة الدولة، ابو الفتح محمد بن معز الدولة (۲۰۱۶م)، *الرسالة المصرية*، (منهج العلم والبیان ونزهة السمع والبیان) به ضمیمه مشیخه ابو الفتح بغدادی قطیعی، بی جا: المجموعة الكاملة.

علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *رجال العلامة الحلّی*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، قم: دار الذخائر.

علی، محمد احمد (۲۰۰۲م)، *معجم أعلام العلویین*، بیروت: دار المحجة البيضاء.

فرهمندپور، فهیمه؛ فرخنده زاده، محبوبه، (۱۳۹۳)، «نقش دبیران ایرانی در تحوّل نظام اداری عباسیان»، *مطالعات تاریخ اسلام* س ۶، بهار ۱۳۹۳ ش ۲۰.

قلیچ، رسول (۱۳۹۰ش)، *بررسی دیدگاه عالمان شیعه درباره کتاب سلیم بن قیس*: پایانامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه ادیان.

قمی، عباس (۱۳۶۸ش)، *الکنی و الألقاب*، تحقیق: محمد هادی امینی، تهران: مکتبه الصدر.
 کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۹۶)، «*نقل‌های وزیر مغربی از جدش ابو عبدالله کاتب نعمانی*»، ۷ بهمن ۱۳۹۶،
kariminia.kateban.com/post/3505
 کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق)، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد:
 دانشگاه مشهد.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 کراچکی، ابوالفتح محمدبن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، تصحیح: عبدالله نعمه، قم: دارالذخائر.
 گرامی، محمد هادی (۱۳۹۱)، *نخستین مناسبات فکری تشیع، بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان
 های متقدم امامی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مجهول (۲۰۰۸م)، *مجمع الأخبار*، سلسله تراث علوی، لبنان: دار لأجل المعرفة.
 معرفت، محمد؛ غفوری نژاد، محمد، (۱۳۹۷)، «بازشناسی منابع غیبت نعمانی»، *مجله شریعه پژوهی*،
 س ۴، ش ۱۴، ص ۵-۲۶.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق-الف)، *الإرشاد*، قم: کنگره شیخ مفید.
 مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق-ب)، *الامالی*، قم: کنگره شیخ مفید.
 مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق-ج)، *المسائل العکبریة*، قم: کنگره شیخ مفید.
 مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق-د)، *المقنعة*، قم: کنگره شیخ مفید.
 نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵)، *رجال النجاشی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
 نعمانی، ابن ابی زینب (۵۷۷ق)، *نسخه الغیبة*، مشهد: آستان قدس، نسخه خطی ش ۱۷۵۴.